

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

Vijay Prashad

برگردان از: بابک دهقان

۲۳ جون ۲۰۱۹

آیا چیزی در باره مرکز مأموریت "سیا" در رابطه با ایران شنیده اید؟



این مقاله با اجازه [Globetrotter](#)، پروژه انستیتویت رسانه های مستقل، ترجمه شده و منتشر می شود.

آنها از هیچ خشونتی هراس ندارند و آماده استفاده از هروسيله ای برای برافروختن شعله جنگ با ایران هستند. وزیر خارجه امریکا، تنها چندساعت پس از وقوع حادثه، بی هیچ تردیدی اعلام می کرد که مسؤلیت انفجار دونفتکش از ناروی و جاپان برعهده ایران است. او گفت که ایران این کار را کرده است و از اینرو باید جوابگوی آن باشد. دولت ایالات متحده، به جزویدئوئی با کیفیتی بد، که حاوی دستاورد تعیین کننده ای نبود، هیچ مدرک دیگری برای اثبات ادعای خویش ارائه نداد.

یادآوری این نکته که شینزو آبه، نخست وزیر جاپان، به هنگام این ماجرا در ایران بود مهم است. آبه، که تلاش می کرد تا معاهده هسته ئی ایران را پا برجا نگاه دارد، هیچ اظهار نظر خصومت باری ایراد نکرد و ایران را ترک نگفت. مدیر شرکت کشتیرانی جاپانی نیز گفت که هیچ مدرکی دال بر این که ایران در پشت این واقعه بوده است موجود نیست. او

درواقع ادعای این که که یک مین چسبناک به کشتی او متصل شده بود را زیرسؤال برد. او گفت که «اشیای پرنده» به کشتی اصابت کرده اند.

شرکت کشتی رانی ناروی نیز هیچ اظهار نظری درباره این حادثه، حداقل چیزی که انگشت اتهام به سوی ایران دراز کند، نکرد. دولت ناروی نیز سکوت کرد و هیچ تهدیدی، هرچه که باشد، به زبان نیاورد. شرکت کشتی رانی اعلام کرد که تحقیقات لازم در سرفرصت به عمل خواهند آمد.

ملوانان هردو شناور توسط ایالات متحده و ایران نجات داده شده و به مکان امنی انتقال داده شدند.

سرلشکر محمد حسین باقری، فرمانده ستاد مشترک ارتش ایران، گفت که نیروی نظامی ایران تنگه هرمز را مخفیانه نخواهد بست. او اضافه کرد که اگر ما بخواهیم تنگه هرمز را مسدود کنیم این کار را با عملیات نظامی آشکار به اجراء خواهیم گذاشت. او هرگونه دخالت ایران در این ماجرا را به شدت تکذیب کرد.

به هیچ شناور امریکائی حمله نشد. این حوادث در آب های بین المللی، در تنگه هرمز، به دور از سواحل ایران و عمان، نه در خاک ایالات متحده، نه در یک پایگاه و یا یک مالکیت امریکائی رخ داد. اما، علی رغم همه این شواهد، این دولت امریکاست که مدعی العموم می شود و تهدید می کند. عادت بدی که ادامه می یابد.

در منطقه ای که احساس خطر فراگیرست، چنین عملکردی در اذهان نمی گنجد. آیا ترمپ آنقدر دیوانه است که راکت هایش را پرتاب کند؟ آیا ایالات متحده خواستار گشایش بیشتر دروازه های جهنم در غرب آسیاست، دروازه هائی که ایالات متحده با جنگ غیرقانونی اش در عراق آنها را تماماً باز کرد؟

مرکز مأموریت ایران

در سال ۲۰۱۷ سازمان "سیا" واحد ویژه ای به نام مرکز مأموریت ایران ایجاد کرد که مأموریتش تمرکز بر نقشه های امریکا علیه ایران بود. ابتکار عمل برپاساختن این واحد به جان برنان، مدیر "سیا" که پس از روی کار آمدن دولت ترمپ پستش را ترک کرد، برمی گردد. برنان بر این باور بود که "سیا" باید بر مناطقی که به نظر ایالات متحده مسأله ساز هستند، کوریای شمالی و ایران در آن زمان، نظارت بیشتری داشته باشد. این قبل از روی کار آمدن دولت ترمپ بود.

مایک پومپئو، جانشین برنان که فقط یک سال مدیریت "سیا" را برعهده داشت و سپس به پست وزیر امور خارجه منصوب شد، این سیاست را ادامه داد. هدایت فعالیت های "سیا" در رابطه با ایران بر عهده «بخش عملیات ایران» و یا «خانه پارس» گذاشته شده بود. این بخش متشکل از کارشناسانی بود که آگاهی کاملی درباره تحول اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی ایران و مهاجران ایرانی داشتند.

اما این بخش، بنا بر گفته یک مقام مسوول، باعث خشم جنگ طلبان درواشینگتن می شد چرا که به نظر آنان «خانه پارس» پراز کارشناسانی بود که گرایش خاصی برای سرنگونی رژیم در ایران نداشتند. برخی از آنان حتی، با توجه به سابقه طولانی فعالیتشان درباره ایران، در مورد این کشور حساسیت داشتند. افراد پیرامون ترمپ خواهان گروهی به مراتب متمرکزتر و ستیزه جوتر بودند تا اطلاعاتی فراهم کنند که پاسخگوی خیال بافی های مشاورانیت ملی او، جان بولتون، باشند.

از این رو، برای اداره «مرکز مأموریت ایران»، «سیا» مایکل داندرا را انتخاب کرد. داندرا فرد کلیدی برنامه بازجویی های پس از ۱۱ سپتامبر و همچنین رئیس مرکز ضد تروریسم سیا بود. به قتل رساندن و شکنجه کردن راه کار اصلی او بود.

این داندرا بود که برنامه حملات پهبادی سیا و به ویژه حمله بر اساس علائم را توسعه داد. ابزار حمله بر اساس علائم به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. به سیا اجازه داده شده است هر کسی که دارای مشخصات خاصی می باشد، به عنوان مثال مردی با سنی مشخص، دارای تیلیفونی همراه که با شماره تیلیفونی در لیست سیاه سیا تماس گرفته است، را به قتل برساند. عملیات ظلمت بار سیا مشخصاً ریشه در ایده های داندرا دارد.

یکی از تحلیل گران پیشین سیا می گوید، دلیل اصلی انتصاب او به پست رئیس «مرکز مأموریت ایران» نزدیکی او به عرب های خلیج (فارس) می باشد. عرب های خلیج (فارس) تلاش های سختی برای اقدام علیه ایران انجام می دهند و داندرا بخشی از گروه اوموافق این خط مشی هستند. داندرا، به خاطر گرایش ضد ایرانی عمیقش، به طعنه «آیت الله مایک» لقب گرفته است.

داندرا و کسانی چون بولتون بخشی از مجموعه ای هستند که نفرت شدیدی از ایران داشته و دیدگاه جهانی آنان با دیدگاه خاندان سلطنتی سعودی یکسان است. آنها از هیچ خشونت‌های هراس ندارند و آماده استفاده از هر وسیله ای برای برافروختن شعله جنگ با ایران هستند. هیچ چیز قادر نخواهد بود آنها را به عقب راند.

داندرا و جنگ طلبان چندین کارشناس امور ایران، از جمله مسوول تحلیل ها مارگارت سترومکی، را از «مرکز مأموریت ایران» بیرون رانده اند. افراد دیگری که می خواهند دیدگاه متفاوتی از دیدگاه پومپئو- بولتون ارائه دهند کنار گذاشته شده و یا وادار به سکوت شده اند. یک مقام مسوول پیشین می گوید که در دستگاه اداری ترمپ جایی برای مخالفت با سیاست اتخاذ شده در برابر ایران وجود ندارد.

جنگ متعلق به عربستان سعودی

همزاد داندرا در خارج از کاخ سفید توماس کاپلان است، میلیاردری که دو گروه به راه انداخته و کورکورانه خواهان تغییر رژیم در ایران می باشد. یکی از این دو گروه «اتحاد علیه ایران هسته نی» و دیگری «پروژه ضد افراط گرایی» خوانده می شوند. اینجا ناگفته ای در کار نیست. این دو گروه و خود کاپلان هم در پی بی اعتبار کردن مسلمانان به طور کلی و مخصوصاً ایران هستند.

برای کاپلان این ایران بود که داعش را ایجاد کرد تا با «استفاده از یک گروه سنی وحشتناک» بتواند هدف گسترش خویش از «پارس تا مدیترانه» را عملی کند. چنین حماقتی ناشی از عدم فهم بنیادین مفاهیم شیعه همچون تقیه و یا به عبارت دیگر احتیاط است که کاپلان و برخی دیگر آن را به فریبکاری مرتبط می کنند. به گونه ای شگفت انگیز، کاپلان و داعش نقاط مشترک بیشتری با هم دارند تا ایران و داعش، چرا که قوه محرکه هر دو آنها نفرت از کسانی است که آداب شیعه اسلام را رعایت می کنند.

جالب توجه است که گروه های ضد ایرانی کاپلان پول و سیا را به هم وصل می کنند. مدیر «اتحاد علیه ایران هسته نی» مارک والاس است که در عین حال مدیر عامل یک گروه سرمایه گذاری مالی متعلق به کاپلان می باشد که به اقرار خود او «بی ثباتی در منطقه خاورمیانه» بهره می گیرد. فرد دیگری که با هر دو گروه ضد ایرانی کار می کند، نورمن رول نام دارد که قبلاً مدیریت کسب اطلاعات درباره ایران در دفتر سازمان ایالات متحده اطلاعات ملی را بر عهده داشت.

رول از کوشش های بنیاد عرب، که توسط علی شیهایی اداره می شود و با خاندان سلطنتی سعودی روابط نزدیک دارد، حمایت می کند. هدف بنیاد عرب توسعه روابط عمومی مؤثرتری نسبت به آنچه که دیپلمات های سعودی می توانند

انجام دهند است. شیهای پسرسمیر الشیهای، یکی از سرشناس ترین دیپلمات های سعودی است که به عنوان سفیر عربستان سعودی در پاکستان نقش عمده ای در جنگی که منجر به ایجاد القاعده شد ایفاء کرد. این افراد، کاپلان و بولتون، داندرا و شیهای مشتاق استفاده از تمامی قدرت نظامی امریکا برای پیشبرد اهداف شیخ های عرب خلیج (فارس)، (عربستان سعودی و امارت متحده عربی) هستند. هنگامی که پومپئو در برابر دوربین ها ظاهر شد، آنها از شادی در پوست نمی گنجیدند. آنها در مأموریت هستند. آنان خواستار جنگ علیه ایران هستند. شواهد، منطق. هیچ یک از اینها برای آنان اهمیتی ندارند. آنها، تا وقتی که بمب افکن های امریکائی بمب های مرگ آور خویش را بر روی تهران و قم، اصفهان و شیراز رها نکنند، ساکت نخواهند نشست. آنها تمام سعی خود را خواهند کرد که این آرزو به واقعیت مبدل شود.

منتشر شده در لوموند دیپلماتیک